

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

۲۹ جون ۲۰۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز تراویح

۱

یکی از خصوصیات ماه مبارک رمضان، به مثابه عبادت مسمی می باشد، خواندن نماز تراویح با جماعت در شبهای مبارک رمضان می باشد.

ابن حجر عسقلانی در معنای «تراویح» می فرماید:

کلمه « تراویح» جمع « ترویحه» است، یعنی «یک راحتی»، مانند کلمه « تسلیمة» که به معنای «یک سلام» می باشد و از کلمه سلام گرفته شده و نمازهای جماعت شبهای رمضان را « تراویح» می گویند، زیرا اولین باری که نماز «تراویح» به صورت جماعت شروع شد نماز گزاران بین هر دو سلام نماز کمی استراحت می کردند. پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد مقام و منزلت نماز تراویح فرموده اند: « مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری ۲۰۰۹) (هر کسی که قیام رمضان را از روی ایمان و اخلاص به جای آورد، گناهان گذشته اش بخشیده می شود). شیخ الاسلام امام نووی رحمة الله علیه فرمودند: «منظور از قیام رمضان نماز تراویح می باشد».

مشروعیت نماز تراویح:

مستحب است که نماز تراویح در مساجد و به صورت جماعت برگزار گردد. هرچند اگر به صورت تنهایی در منزل و در مسجد نیز خوانده شود، مشروع و جایز است.

در اوایل پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز تراویح را در مسجد و به صورت جماعت با اصحاب خود رضی الله عنهم برگزار می نمود ولی بعداً اصحاب نماز را به صورت تنها و انفرادی در مسجد برگزار می کردند. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم می ترسیدند که با ادامه این روند یعنی برگزار نمودن منظم جماعات تراویح، این امر برای اصحابشان پیش بیاید که نماز تراویح فرض است در حالی که نماز تراویح فرض نیست و سنت است. لذا پیامبر صلی الله علیه و سلم بعضی از شبها را جماعت می خواند و بعضی دیگر در منزل می خواندند و به مسجد نمی رفتند و جماعت برگزار نمی شد و هرکدام از اصحاب به تنهایی نماز تراویح را می خواندند.

چنانچه حدیثی از عایشه رضی الله عنها روایت است که در آن اشاره دارد به این که پیامبر صلی الله علیه وسلم فقط دو شب در مسجد با اصحابشان نماز تراویح را به صورت جماعت خواندند ولی در شب سوم رسول الله صلی الله علیه وسلم به مسجد تشریف نیاوردند، صبح از ایشان در مورد غیابشان سؤال می شود و ایشان صلی الله علیه وسلم می فرمایند:

«رأيت صنعكم فلم يمعني من الخروج اليكم الا إني خشيت أن تُفرض عليكم»

یعنی: «گرد آمدن شما را دیدم ولی چیزی مانع آن نشد که برای نماز جماعت، به سوی شما بیایم مگر آنکه ترسیدم که، نماز تراویح، بر شما فرض گردد.» (بخاری ۱۱۲۹).

بنابراین باید گفت که: جماعت برگزار کردن برای نماز تراویح سنت است و نه واجب، بعدها که با رحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم و در نتیجه آن پایان تشریح در دین اسلام، ترس از این که نماز تراویح برای مردم واجب گردد باقی نماند، اصحاب تصمیم گرفتند که نماز تراویح را به صورت جماعت و در مسجد بخوانند (به اقتداء به پیامبر که اوایل تشریح نماز تراویح چنین می کردند).

چنان که در حدیثی دیگر از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها، بعد از این که حدیث فوق الذکر را روایت می کنند آمده است:

«فتوفى رسول الله صلى الله عليه وسلم والامر على ذلك، ثم كان في خلافة ابي بكر و صدر من خلافة عمر، حتى جمعهم عمر بن الخطاب على ابي بن كعب، فقام بهم في رمضان، وكان ذلك اول اجتماع الناس على القارى واحد في رمضان» (بخاری - ۹۲۴)

یعنی: «و پیامبر صلی الله علیه وسلم فوت کردند و روال بر همین بود، سپس در زمان خلافت ابوبکر و همینطور در اوایل خلافت عمر نیز همان گونه بود، تا این که عمر مردم را برای نماز تراویح به امامت ابي بن کعب جمع نمود و نماز تراویح را به آنها در رمضان اقامه نمود و این اولین جماعت مردم بر یک قاری و امام واحد بود.» کسانی که می گویند جماعت خواندن نماز تراویح بدعتی بود که عمر بن خطاب رضی الله عنه ایجاد نمود، به خطا رفته اند و استدلال شان از حقیقت دور است. زیرا همانطور که قبلاً یادآور شدیم در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم بعضی از شبها نماز تراویح با جماعت برگزار می شد و دلیل ترک جماعت نماز تراویح از سوی پیامبر، فقط ترس از فرض دانستن مردم بود.

تعداد رکعات نماز تراویح:

چون هیچ حدیثی از شخص رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد تعداد مشخص رکعات نماز تراویح روایت نشده و آنچه که به آن استناد می شود فقط قول و عمل اصحاب رضی الله عنهم است، لذا علماء در تعداد رکعات تراویح اختلاف دارند، از جمله گفته اند:

- نماز تراویح یازده رکعت است.

- برخی از علماء می گویند نماز تراویح بیست رکعت بدون نماز وتر است از جمله (امام شافعی و ابن مبارک و روایتی از عمر و علی رضی الله عنهما)

- برخی از علماء می گویند نماز تراویح سی و شش رکعت تراویح و سه رکعت وتر. (از جمله امام مالک).

- برخی از علماء می گویند که نماز تراویح چهار رکعت نماز تراویح و هفت رکعت وتر.

و اقوال متعدد دیگری در زمینه وجود دارد، که هیچ کدام برای اثبات ادعای خود حدیثی از خود پیامبر صلی الله علیه وسلم ذکر نکرده اند الا قول و فعل صحابی، البته هر چند که در بین مسلمانان یازده رکعت بیشتر رواج دارد و بعضی کوشیده اند تا آن را اثبات کنند، چنان که عمر بن خطاب رضی الله عنه به ابي بن کعب رضی الله عنه امر نمود که

یازده رکعت برای مردم امامت کند و همینطور حدیثی از عایشه رضی الله عنها که می گوید پیامبر صلی الله علیه وسلم از یازده رکعت بیشتر نخوانده اند (در بخاری ۱۱۴۷) - ولی با توجه به این که بیشتر از این مقدار هم خوانده شده است، بستگی به طاقت شخص هر چقدر که توانست به صورت دو رکعت دو رکعت بخواند و این قول امام احمد حنبل و ابن تیمیه رحمهم الله است. (کشاف القناع - ۴۲۵/۱ و مجموع الفتاوی ابن تیمیه - ۲۷۲/۲۲).

ابن تیمیه در کشاف القناع می نویسد: «بنابراین کسانی که گمان می برند که نماز تراویح در شبهای رمضان مقدار مشخصی داشته که نه کم می شود و نه زیاد، دچار اشتباه شده اند».

همچنین دار الافتا کشور عربستان سعودی در مورد رکعت های نماز تراویح طی فتوائی می نویسد:

«باید دانست که بیشتر از یازده رکعت و سیزده رکعت خواندن هیچ ممانعتی ندارد؛ زیرا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز شب را محدود به رکعات مشخصی نکرده اند، بلکه به عکس زمانی که از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد نماز شب پرسیده شد، فرمودند: «مَثْنَى مَثْنَى؛ فَإِذَا خَشِيَ أَحَدُكُمْ الصُّبْحَ صَلَّى رَكْعَةً وَاجِدَهُ تَوَتَّرَ لَهُ مَا قَدْ صَلَّى» (متفق علیه، بخاری (۹۹۰/۴۷۲)، مسلم).

(نماز شب دو رکعت، دو رکعت است، پس هر گاه یکی از شما بیم آن را داشت که وقت نماز صبح فرا برسد يك رکعت نماز بخواند و با آن نمازهای قبلی اش را وتر کند).

(البته با توجه به بقیه احادیث جایز است نماز وتر، سه یا پنج یا هفت یا نه رکعت خوانده شود) با این توضیح به این نتیجه می رسیم که نماز شب، تراویح، محدود به عدد مشخص نیست، بنابراین نماز شب در رمضان و غیر رمضان محدود نیست بلکه امر، وسیع است و به هر تعداد که می توانند بخوانند.»

بر این اساس شما می توانید در مسجد خود یازده یا بیست رکعت بخوانید و بهتر است برای هماهنگی و عدم تفرقه همان بیست رکعت را بخوانید، زیرا به طور قطع نمی توان گفت که یازده رکعت سنت است یا بیست رکعت! (هرچند که به نظر یازده رکعت به رأی صواب نزدیکتر است).

در ضمن عمل اهل مکه یا مسجدالحرام برای ما مسلمانان حجت نیست بنابراین ما باید تابع کتاب و سنت باشیم نه تابع گروه یا سرزمینی خاص، هر چند که آنها در مسجدالحرام بیست رکعت می خوانند!

استراحت در نماز تراویح:

علماء اتفاق دارند که بعد از هر دو رکعتی، یعنی چهار رکعت، می توان استراحت نمود چرا که سلف صالح نیز چنان کرده اند، آنها نماز طویلی داشته اند و بعد از هر چهار رکعت برای استراحت مقداری می نشستند. دلیل استراحت بعد از هر چهار رکعت را می توان در این روایت از عایشه رضی الله عنه ربط داد: «عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: أَنَّهَا سُئِلَتْ عَنْ صَلَاتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي رَمَضَانَ، فَقَالَتْ: مَا كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلَا فِي غَيْرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً، يَصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُّ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطَوْلِهِنَّ، ثُمَّ يَصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُّ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطَوْلِهِنَّ، ثُمَّ يَصَلِّي ثَلَاثًا...» (بخاری: ۱۱۴۷).

(از عایشه رضی الله عنها درباره نماز شب رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان، سؤال شد. فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان و غیر رمضان، بیشتر از یازده رکعت، نمی خواند. ابتداء چهار رکعت می خواند و آنها را بسیار زیبا و طولانی می نمود. سپس، چهار رکعت دیگر می خواند و آنها را نیز به همان زیبایی رکعات اول، اداء می کرد و در پایان، سه رکعت دیگر می خواند. (البته فراموش نشود که ذکر این یازده رکعت یکی از استنادات علماء به تعداد رکعات تراویح است).

چنانچه ملاحظه می شود، حدیث اشاره به چهار رکعت چهار رکعت دارد و این فهم را می رساند که پس از هر چهار رکعت ، که در واقع بصورت دو بار دو رکعتی است، استراحتی صورت گرفته است.

مقدار قرائت قرآن در نماز تراویح:

در مورد این که در رکعت های نماز تراویح به چه مقدار قرائت از قرآن کریم به عمل آید ، در شرع در این مورد هم مقدار مشخصی برای خواندن قرآن در سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نگردیده است . آنچه که وجود دارد آنست که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز شب را طولانی نموده اند . بنابراین بستگی به طاقت نمازگزاران تا هر جائی که توانائی داشتند نماز را طولانی کنند . اما برخی از علماء از جمله امام حنبل و امام ابوحنفیه ختم قرآن عظیم الشان را در نماز تراویح در طول ماه مبارک رمضان، مستحب دانسته اند . (توضیح بیشتر را می توان در فتح القدیر ۱/۳۳۵ و المغنی ابن قدامه ۲/۱۶۹ مطالعه فرمائید).

یادداشت:

در رکعت نماز تراویح چه به شکل انفرادی اداء گردد و یا به شکل نماز جماعت اداء گردد ، خواندن سوره فاتحه و بعد از آن چند آیت کوتاه خوانده شود کدام ممانعتی ندارد ، نباید به صورت حتمی در آن ختم قرآن عظیم الشان صورت گیرد ولی خواندن سوره فاتحه که رکن نماز است و یک سوره دیگر کفایت می کند . در ضمن هیچ دلیلی وجود ندارد که دعاهای شب قدر تماماً مستجاب خواهند شد ولی مستحب است که در این شب به ذکر و تلاوت قرآن و دعا و نیایش پرداخت:

طوری که در فوق یاد آور شدیم: در حدیث شریف آمده است: « من قام لیلة القدر ایمانا واحتسابا، غفر له ما تقدم من ذنبه » (هر کس از روی ایمان و به قصد قربت شب قدر را (برای نماز و نیاز) بپا خاست، آنچه که از گناهانش گذشته است بر وی آمرزیده می شود).

و اگر هم دعای فرد معتکف در این شب اجابت نشد، باز اجر زیادی به سبب آن دعا ها می برد زیرا دعا خود عبادت است بنابراین جدا از این که اجابت می شود یا خیر، به سبب این عبادت دارای اجر و ثواب خواهد شد ان شاء الله.

ختم قرآن عظیم الشان در نماز تراویح:

در دین مقدس اسلام ماه مبارک رمضان به ماه قرآن شهرت دارد، چرا که قرآن عظیم الشان در این ماه و آنهم در شب لیلة القدر نازل شده، و اجر عبادت یکجا با تلاوت و ختم قرآن عظیم الشان در این ماه چند برابر می شود، لذا یکی از بهترین اعمال عبادی که يك شخص مسلمان در این ماه باید انجام دهد کثرت تلاوت قرآن عظیم الشان است، خواه این قرائت در نماز تراویح صورت گیرد و چه خارج از نماز تراویح . بنابراین، در نماز تراویح و یا تهجد نیز می توان قرآن عظیم الشان را خواند تا این که ختم کرد، و در حدیث صحیح از ابن عباس وارد شده است که:

« كان النبي صلى الله عليه وسلم أجود الناس بالخير، و كان أجود ما يكون في رمضان حين يلقاه جبريل، و كان جبريل عليه السلام يلقاه كل ليلة في رمضان حتى ينسلخ، يعرض عليه النبي صلى الله عليه وسلم القرآن، فإذا لقيه جبريل كان أجود بالخير من الريح المرسلة» (متفق عليه)

یعنی: « پیامبر صلی الله علیه وسلم سخاوتمندترین مردم از لحاظ خیر بود و در ماه رمضان وقتی که جبرئیل او را ملاقات می کرد بیشتر سخاوتمند می شد، و جبرئیل هر شب در ماه رمضان تا پایان ماه با او ملاقات می کرد و پیامبر

صلی الله علیه و سلم قرآن را بر او می‌خواند و وقتی که جبرئیل با او ملاقات می‌کرد، او برای بخشش خیر، از تندباد سریع‌تر می‌شد» .

و می‌توان گفت که قرائت کل قرآن در نماز تراویح يك نوع از این مدارسه به شمار می‌رود زیرا تمامی قرآن را مرور می‌کند، لذا امام احمد بن حنبل دوست داشت کسی که امامت را به عهده بگیرد تمامی قرآن را در نماز تراویح ختم کند، لذا اگر تمامی قرآن در نماز مراجعه و ختم شود بهتر است زیرا تمامی آیات قرآن مرور می‌شود، ولی نباید به حجت ختم کردن قرآن به سرعت قرائت طوری افزود که معلوم نشود امام چه می‌خواند و خشوع را از بین ببرد و گرنه آرام تر خواندن و کمتر خواندن قرآن از این بی‌خشوعی بهتر است و لو این که قرآن را با آن بی‌خشوعی ختم کند. ناگفته نماند که ائمه اربعه در ماه رمضان معمولاً دروس علمی و حدیث را تعطیل می‌کردند و فقط مشغول خواندن قرآن می‌شده‌اند.

تلاوت قرآن برای امام از روی مصحف در نماز تراویح

علماء بدین عقیده‌اند که در قیام رمضان خواندن قرآن عظیم الشان از روی مصحف کدام ممانعت شرعی ندارد، چون از این طریق مقتدیان تمام قرآن را می‌شنوند و دلایل شرعی کتاب الله و سنت رسول الله از مشروعیت قرائت قرآن در نماز حکایت دارند و این دلایل عام است و قرائت قرآن را در نماز چه از حفظ و چه از روی مصحف شامل می‌شود. ثابت شده که ام‌المؤمنین عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا به برده آزاد شده‌اش (ذکوان) دستور داد تا او را در قیام رمضان امامت دهد و ذکوان در نماز از روی مصحف قرآن می‌خواند. برای معلومات مزید مراجعه شود: (بخاری. کتاب الجماعة و الامامة، باب امامة العبد و المولى بعد (۶۹۱)).

حضرت عمر و نماز تراویح:

در نزد تعدادی از مسلمانان شایع طوری است که حضرت عمر بن خطاب، رضی الله عنه، در مورد نماز تراویح فرموده که: «نعمت البدعة هذه» این بدعت خوبی است؟ اگر واقعاً این فرموده حضرت عمر (رض) باشد پس چرا ما سایر بدعت‌ها را گمراهی بنامیم؟ حتی برخی از متأخرین به این سخن حضرت عمر رضی الله عنه استدلال کرده و آن را مخصص «کل بدعة ضلالة» یعنی هر بدعتی گمراهی است، قرار داده‌اند. در جواب باید گفت:

این استدلال مردود است؛ چرا که مشروعیت نماز تراویح به نص حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم ثابت شده است. از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که «وقتی که پیامبر صلی الله علیه و سلم به همراه مردم یکی از شبهای ماه رمضان را احیاء می‌کرد، هشت رکعت نماز (تراویح) می‌خواند و (بعد از آن) نماز وتر را به جای می‌آورد». (این حدیث صحیح است که طبرانی در «المعجم الصغیر» و ابن حبان در صحیح خود آن را روایت کرده‌اند و این حدیث به صراحت نشان می‌دهد که نماز تراویح بدون نماز وتر هشت رکعت است.) مشروعیت به جماعت خواندن نماز تراویح هم بدین خاطر است که پیامبر صلی الله علیه و سلم سه شب آن را با اصحاب به صورت جماعت خوانده است، ولی پیامبر صلی الله علیه و سلم از ترس این که مبدا نماز تراویح بر مسلمانان واجب گردد از آن پس آن را به صورت جماعت نخوانده است.

دلیل این امر حدیثی است که مسلم و بخاری از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت کرده اند که در آن آمده است: «ولکن خشیتُ أن تفرض علیکم فتعجزوا عنها» «ولی ترسیدم که (نماز تراویح) بر شما واجب گردد و از عهده آن بر نیایید».

اما با تمام شدن وحی ترس واجب شدن نماز تراویح منتفی گردید، و در نتیجه مستحب بودن به جماعت خواندن آن به حالت خود باقی ماند؛ چرا که علت و معلول در وجود و عدم با یک دگر مرتبط هستند.

با توجه به آنچه گفته شد در می یابیم که بدعت به اصطلاح شرعی تنها در موارد مذموم به کار می رود ولی در لغت هر چیزی که بدون نمونه قبلی به وجود بیاید، بدعت نامیده می شود؛ خواه محمود و پسندیده باشد و یا مذموم و ناپسند. شیخ الاسلام ابن تیمه رضی الله عنه در این باره گفته است:

«اما قول عمر رضی الله عنه که گفته است: نعمت البدعة هذه، اکثر کسانی که به آن استدلال کرده اند اگر بخواهیم چیزی را که هیچ مخالفتی با سنت نبوی ندارد با سخن عمر رضی الله عنه ثابت کنیم، می گویند قول صحابی حجت نیست. پس اگر قول عمر رضی الله عنه مخالف حدیث نبوی باشد به طریق اولی نباید به آن اعتقاد داشت.»

ولی در هر دو صورت معارضه حدیث با قول صحابی صحیح نیست بلی، تخصیص عموم حدیث (که به دو صورت روایت شده است) با قول صحابی که با یکی از ده روایت حدیث مخالفتی ندارد، صحیح است و این تنها به حسن بدعت مورد نظر صحابی دلالت می کند نه غیر آن. و تنها چیزی که در سخن عمر وجود دارد این است که به جماعت خواندن نماز تراویح را بدعت حسنه نامیده است و این نامگذاری یک نامگذاری لغوی است نه شرعی.

و این بدین خاطر است که بدعت لغوی بر هر چیزی که بدون نمونه قبلی انجام گرفته باشد اطلاق می شود در حالی که بدعت شرعی آن است که مستند به یک دلیل شرعی نباشد.

پس اگر نصی از رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشته باشد که بر مستحب بودن و یا وجوب کاری بعد از مرگ پیامبر صلی الله علیه وسلم و یا به طور مطلق دلالت کند و تنها بعد از مرگ پیامبر بدان عمل شود مانند صدقه (بردن میراث پیامبران) که ابوبکر رضی الله عنه آن را روایت کرده است، پس اگر کسی بعد از مرگ پیامبر صلی الله علیه وسلم آن کار را انجام دهد، می تواند کار او را در لغت بدعت نامید؛ چرا که از ابتداء و بدون نمونه قبلی آن را انجام داده است.

همان طور که دینی که پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده است در لغت بدعت و محدث نامیده می شود. «شاهد این امر آیت ۲ از سوره انبیاء است که می فرماید: « مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مَنْ رَبَّهُمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمْعَوْهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ» هیچ بخش تازه ای از قرآن از سوی پروردگارشان بدیشان نمی رسد مگر این که آن را (به شوخی) می شنوند و به بازی می گیرند». در این آیت هیچ دلیلی مبنی بر مخلوق بودن قرآن وجود ندارد. کاری که مستند به کتاب و سنت باشد، اگر چه در لغت بدعت نامیده شود، در اصطلاح شرعی بدعت به حساب نمی آید؛ چرا که لفظ بدعت در لغت عام تر از اصطلاح شرعی آن است و معلوم است که منظور پیامبر از «کل بدعة ضلالة» هر کاری که از ابتداء و بدون نمونه قبلی انجام گیرد نیست، بلکه منظور وی اعمالی است که وی آن ها را تشریح نکرده است. (تفصیل موضوع: ابن تیمیه، اقتضاء الصراط المستقیم، مخالفة أصحاب الجحیم، ص ۲۷۷-۲۷۵).

اذکار و اذکار در نماز تراویح:

در مورد این که در فاصله چهار رکعتی در نماز تراویح چه اذکار و اوراد خوانده شود، مطابق روایات اسلامی هیچ ذکر و اوراد مشخص و معینی در این استراحتها وجود ندارد و تشریح نشده است چنان که برخی از مسلمانان بنا بر ابتکار و به زعم خویش در بین این استراحتها به خواندن بعضی از اوراد و اذکار بدعی مبادرت می ورزند.

ولی مصلین می توانند در بین این استراحت اذاکاری مانند : استغفر الله، سبحان الله، الحمد لله، و غیره، با خود بخوانند تا این که امام دوباره شروع به نماز کند، ولی اگر خواندن این اذاکار با صدای بلند باشد و یا با هم به صورت جماعی باشد ، بدعت است، زیرا از پیامبر صلی الله علیه و سلم و اصحابش چنین چیزی وارد نشده است. اما در مورد (سبحان الملك القدوس) سنت است که بعد از نماز وتر ۳ مرتبه خوانده شود ولی در دفعه سوم این جمله را اضافه می کنید (رب الملائكة و الروح) و کمی با صدای بلند تر آن را می گوئید و صدایتان را کمی می کشید (روایت نسائی و دار قطنی).

خوانندگان محترم !

غرض معلومات باید به عرض برسانم که در افغانستان عزیز ما معمولاً دعای ذیل توسط یکتن از نماز گزاران به آواز بلند خوانده می شود: «سبحان ذی الملك و الملکوت، سبحان ذی العزة و العظمة و القدرة و الکبرياء و الجبروت ،سبوح ، قدوس ربنا و رب الملائكة و الروح».

و یا دعای ذیل:

سبحان ذی الملك و الملکوت، سبحان ذی العزة و العظمة و القدرة و الکبرياء و الجبروت، سبحان الملك الحی الذی لاینام و لایموت، سبوح قدوس ربنا و رب الملائكة و الروح، لا اله الا الله نستغفر الله نسلک الجنة و نعوذ بک من النار، سبحان ذی الملك و الملکوت، سبحان ذی العزة و العظمة و القدرة و الکبرياء و الجبروت، سبحان الملك الحی الذی لاینام و لایموت، سبوح قدوس ربنا و رب الملائكة و الروح، لا اله الا الله نستغفر الله نسلک الجنة و نعوذ بک من النار، سبحان ذی الملك و الملکوت، سبحان ذی العزة و العظمة و القدرة و الکبرياء و الجبروت، سبحان الملك الحی الذی لاینام و لایموت، سبوح قدوس ربنا و رب الملائكة و الروح، لا اله الا الله نستغفر الله نسلک الجنة و نعوذ بک من النار، یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین، یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام.

علت خواندن نماز تراویح با جماعت:

نماز تراویح به علتی در ماه مبارک رمضان به صورت جماعت خوانده می شود، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم سه روز در شبهای رمضان بعد از نماز عشاء، نماز تراویح (نماز شب) را در مسجد خواندند و مردم نیز به او اقتداء کردند و همراه او به صورت جماعت نماز شب (تراویح) خواندند، ولی شب چهارم که مردم منتظر بودند تا ایشان بیایند، ایشان خودداری کردند و هنگامی که علت نیامدن را از ایشان پرسیدند، فرمود: می ترسیدم اگر همچنان ادامه دهم، خدا آن نماز را بر شما فرض گرداند و شما نتوانید آن را انجام دهید.

یعنی در آن چند شب آن قدر مردم برای نماز شب جمع شدند و رغبت نشان دادند که پیامبر صلی الله علیه وسلم نگران آن بود مردم آن را فرض تلقی کنند و بعداً از ادای آن عاجز شوند، پس پیامبر آن را در مسجد ترک کرد تا بدانند که جماعت خواندن نماز شب در ماه رمضان واجب نیست، بلکه مستحب است، سپس خود ایشان باقیمانده ماه رمضان را در خانه نماز خواند.

و چون قاعده اینگونه است:

با وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم وحی قطع می گردد، و لذا تشریح تمام می شود و دیگر ترس از تشریح باقی نمی ماند، و صحابه این موضوع را می دانستند که چون مانع نمانده پس اینبار انجام مداوم آن (جماعت خواندن نماز شب در رمضان) نیز بلامانع می شود.

برای همین بود که در زمان خلافت امیر المؤمنین حضرت عمر رضی الله عنه دید که مسلمانان در ماه مبارک در مسجد تعدادی به طور انفرادی نماز تراویح به جای می آورند و تعدادی هم دو نفر دو نفر و سه نفر سه نفر کنار هم هستند و به طور نماز جماعت نماز تراویح به جای می آورند .

بناءً به صحابه جلیل القدر «ابی بن کعب» رضی الله عنه گفت که شما به حیث امام نماز، نماز تراویح را به طور جماعت برای مسلمانان پیش ببر و اصحاب رسول صلی الله علیه وسلم بر آن اجماع کردند و کسی مخالفت هم نکرد و حضرت عمر مطمئن بود که دیگر مسلمانان آن را فریضه تلقی نمی کنند. به عبارتی چون دیگر خوف واجب شدن نماز باقی نمانده بود، لذا صحابه هم با خیال راحت آن نماز را برپا می داشتند چرا که مانعی را که در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشت ، که مبدا نماز فرض شود ، دیگر وجود نداشت.

پس نماز تراویح (نماز شب در رمضان) سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، و قطعاً و بدون تردید اگر رسول خدا صلی الله علیه وسلم آن سه شب را در مسجد نماز نمی خواندند، صحابه نیز آن را نمی دانستند و چیزی را با عنوان نماز تراویح در شبهای رمضان نمی خواندند، پس آنها به پیامبرشان اقتداء کردند و از او الهام گرفتند.

در ضمن علاوه بر نماز تراویح، احادیث صحیح دیگری نیز وجود دارند که دیگر نوافل را نیز می توان به صورت جماعت خواند. چنان که عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید: «صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً، فَلَمْ يَزَلْ قَائِمًا حَتَّى هَمَمْتُ بِأَمْرٍ سَوْءٍ، فَلُنَّا: وَمَا هَمَمْتُ؟ قَالَ: هَمَمْتُ أَنْ أَقْعَدَ وَأَذَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. (بخاری: ۱۱۳۵).

یعنی: شبی، با رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز شب، خواندم. ایشان قیام را به اندازه ای طولانی کرد که من تصمیم بدی گرفتم. پرسیدند: چه تصمیمی گرفتی؟ گفت: تصمیم گرفتم که بنشینم و رسول الله صلی الله علیه وسلم را تنها بگذارم.

ادامه دارد